انترناسیونال ٧٢٨

کاظم نیکخواه

**رضا پهلوی و معضل پایه ای سلطنت طلبان**

استعفای رضا پهلوی از سمت ریاست "شورای ملی ایران بحث موقعیت سلطنت طلبان را دوباره روی میز آورده است. یک سال پیش این شورا توسط رضا پهلوی اعلام موجودیت کرد. عده ای به آن دخیل بستند و امیدوار شدند که کشتی شکسته سلطنت طلبان را به ساحلی برساند. اما خیلی زود معلوم شد که از این امامزاده انتظار معجزه ای نباید داشت. جالب است که هدف تشکیل "شورای ملی" رضا پهلوی برگزاری "انتخابات آزاد" در ایران اعلام شده بود! هر عقل سلیمی میفهمد که استراتژی ای بنام انتخابات آزاد در ایران مثل شوخی میماند و با سیاست ربطی ندارد. هرچه رضا پهلوی بیشتر تلاش کرد این تناقض را توضیح دهد بیشتر خود را مضحکه کرد. اکنون با استعفای رضا پهلوی از ریاست این شورا، همه کس میداند که موجودی که روی کاغذ متولد شده بود، در واقع هیچگاه پا به عرصه سیاست نگذاشت که مرگش اهمیتی داشته باشد. اختلافات درون طیف سلطنت طلبان طی این یک سال اوج بیشتری گرفته و فحاشی و افترا و کشاکشهای نازل شان شدت یافته است.

داستان اینست که هم رضا پهلوی و هم طیف سلطنت طلب با مشاهده فضای ملتهب جامعه و بحران و بن بست جمهوری اسلامی تشویق میشوند که خودرا جمع وجور کنند و برای بازگشت به قدرت خیز بردارند. ظاهرا عناصری از شیوخ عرب و کسبه و سناتورهای دست راستی آمریکائی هم آنها را تشویق و ترغیب میکنند. طیفهایی از مردم مستاصل جامعه هم در نفرت از جمهوری اسلامی نگاهشان به گذشته برگشته است. همه اینها سلطنت طلبان را به تقلاهایی برای بازگشت به قدرت تشویق میکند. اما هربار با هر خیزی که بر میدارند بیش از آن که قدرت خودرا نشان دهند بن بست و بی افقی و ناتوانی و تشتت این طیف را جلوی چشم میگذارند.

جامعه ایران بسیار ملتهب است. هرروز شاهد اعتصابات و اعتراضات کارگری و تجمعات اعتراضی معلمان و بازنشستگان و پرستاران و دانشجویان و مالباختگان و اقشار دیگر هستیم. قوانین اسلامی حکومت همه جا دارد توسط جوانان و زنان مردم متنفر از حکومت زیر پا گذاشته میشود. حکومت اسلامی مورد نفرت اکثریت عظیم مردم است. امید به امکان سرنگونی این حکومت در میان مردم بسیار بالاست. اما رضا پهلوی وسلطنت طلبان به این جنبش ها کاملا بی ربطند. با برنامه ریاضت اقتصادی و احیای سلطنت و ساواک و یک مدال قلابی "حقوق بشری" نمیشود کارگر و معلم و پرستار و دانشجوی معترض و پیشرو حق طلب را به سوی خود جلب کرد. به همین دلیل در هیچ گوشه ای از این مبارزات و اعتراضات هرروزه مردم کوچکترین جای پا و نشانی از سلطنت طلبان و شعارها و سمبلهای عقب مانده آنها نیست.

روشن است که هرچه هم شما پول داشته باشید و از جانب شیوخ عرب و بی بی سی و تلویزیونهای کسبه حمایت مالی و تبلیغی شوید، این ها تضمینی برای نزدیکی شما به قدرت نیست. فقط سهم خواهی ها و نزاعهای درونی شما را افزایش خواهد داد. هم رضا پهلوی و هم بخشهایی از سلطنت طلبان کمی فکور تر متوجه شده اند که سرنوشت و آینده جامعه را مستاصلین تعیین نمیکنند. بلکه بخش رزمنده و پیشرو جامعه است که تعیین میکند آینده چگونه رقم خواهد خورد. و سلطنت طلبان به این بخش هیچ ربطی ندارند. به همین دلیل یک روز به بوش و رژیم چنجش دخیل می بندند، یک روز به ترامپ که خودش را هم نمیتوند سرپا نگه دارد و روز دیگر به شیوخ عربستان و امثال اینها. طبیعی است که در این تقلاها و این در و آن در زدنهای پی در پی، تشتت و نزاع و سهم خواهی ها و کشاکشهایشان بیشتر میشود و به نحو زننده تری به جان هم می افتند. این شمایی از وضعیت و ریشه بحران لاعلاج جنبش سلطنت طلبی و طیف ناسیونالیست پروغرب است که رضا پهلوی هم به آن تعلق دارد و زیر فشار این بحران دچار سردرگمی و گیجی شده است.